

معرفی آثار صخره‌ای نویافته با کاربری تدفینی از بویراحمد

زهرة زهبری^۱، فاطمه علیزاده^۲، کوروش علمداری^۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۲۱

تاریخ تصویب: ۹۳/۳/۲۰

چکیده

استان کهگیلویه و بویراحمد در ارتفاع ۱۸۸۰ متری از سطح دریا و در جنوب غرب ایران قرار دارد. نخستین بررسی باستان‌شناختی در بخش شمالی استان کهگیلویه و بویراحمد در تیر و مرداد ۱۳۹۰ ه.ش صورت گرفت. بویراحمد به‌وسیله کوه‌های صعب‌العبور با دره‌هایی عمیق V شکل محصور شده است که از دیرباز تاکنون مسیر کوچ‌نشینان زاگرس بوده است. در طول این بررسی، شش ساختار صخره‌ای در نزدیکی روستاهای خرم‌راه و پوله موسوم به «استودان» از دوره الیمایی (?) یافت شد. اطراف ناحیه مذکور، استقرار، معماری صخره‌ای و نقش برجسته‌های متعددی از دوره الیمایی وجود دارد. انواع معماری‌های صخره‌ای برای کاربری‌های گوناگونی، مانند پرستشگاه، مسکونی، آداب تدفین و... به‌وجود آمده است. آثار صخره‌ای نویافته که این نوشتار آن را بررسی کرده، شامل شش استودان در استان کهگیلویه و بویراحمد است. بر اساس شباهت میان پلان و مجاورت آثار نویافته با آثار صخره‌ای دوره الیمایی، با قید احتیاط آثار صخره‌ای نویافته را به دوره الیمایی نسبت می‌دهیم.

کلیدواژه‌ها: کهگیلویه و بویراحمد، الیمایی، استودان، ساختارهای صخره‌ای، خرم‌راه، پوله.

مقدمه

۱۳۹۰ ه.ش طی ۲۶ روز کار میدانی بررسی شد (علمداری و احمدی، ۱۳۹۰) (Zehbari, 2012: 196). فعالیت مذکور ادامه بررسی باستان‌شناسی شهرستان بویراحمد در قالب فصل سوم بود که به هدف آشنایی با استقرارهای منطقه و تهیه نقشه‌ای از آن‌ها به روش پیمایشی صورت گرفت. در طول بررسی، استقرارهای متعددی از دوره‌های پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی شناسایی شد. در این منطقه، دوره‌های پیش از تاریخ نقشی کم‌رنگ داشتند و بیشترین

بررسی‌های باستان‌شناسی از جمله فعالیت‌های علمی هستند که با کمترین میزان تخریب، اطلاعات سودمندی دارند. بخش پراهمیت که پس از کار میدانی باید صورت پذیرد، انتشار نتایج حاصل از فعالیت‌های باستان‌شناسی است که متأسفانه در برخی موارد پژوهشگران درباره آن سهل‌انگاری کرده‌اند. منطقه شمالی استان کهگیلویه و بویراحمد برای اولین بار در تاریخ ۱۶ تیر تا ۱۰ مرداد

۱- دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران Z.Zehbari@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۳- سازمان میراث فرهنگی استان فارس

استقرارها از دوره اشکانی بود.

و گرمسیر تقسیم می‌شود. شهرستان‌های بویراحمد و دنا در بخش سردسیر و شهرستان‌های گچساران و کهگیلویه در بخش گرمسیر قرار می‌گیرند. این تنوع آب و هوایی موجب ایجاد بستر مناسبی برای توسعه اکوتوریسم می‌شود (شایان و پاسایی، ۱۳۸۶: ۱۵۶-۱۵۷).

جغرافیای طبیعی بویراحمد

استان کهگیلویه و بویراحمد با ۲۶۴،۱۶ کیلومتر مربع وسعت، در جنوب غربی ایران بین ۳۰ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۴۲ دقیقه طول شرقی و ارتفاع آن ۱۸۸۰ متر از سطح دریا واقع شده است (شکل ۱). این استان از شمال به چهارمحال و بختیاری، از غرب به خوزستان، از جنوب به فارس و بوشهر و از شرق به فارس و اصفهان محدود می‌شود. آب و هوای این استان که به سرزمین چهار فصل شهرت دارد، سرد و کوهستانی است. بلندترین نقطه استان، قله دنا به ارتفاع ۴۴۰۹ متر و پست‌ترین ناحیه آن، لیشتر با ارتفاع ۵۰۰ متر از سطح دریاست.

استان کهگیلویه و بویراحمد منطقه‌ای ناهموار و کوهستانی است که در حدود نیمی از مساحت آن را ارتفاعات و باقی را دره‌ها و دشت‌ها تشکیل داده‌اند. هرچه از امتداد اصلی ارتفاعات زاگرس در این استان از سمت شمال شرقی به جنوب غربی می‌رویم، از ارتفاع کوهستان‌ها و میزان ریزش‌های جوی و رطوبت منطقه کم می‌شود. این توزیع ارتفاعات به صورت طبیعی، ویژگی‌های اقلیمی دوقطبی را به وجود می‌آورد. در نتیجه، این استان به دو ناحیه سردسیر

پیشینه مطالعاتی معماری صخره‌ای در ایران

اشتاین (Stein, 1936)، هر تسفلد (206-208: 1941 Herzfeld)، هنینگ (ترومپلمن، ۱۳۷۲)، واندنبرگ (واندنبرگ، ۱۳۸۷)، وارویک بال (Ball, 1986)، ترومپلمن (ترومپلمن، ۱۳۷۲) و فون گال جزو نخستین افرادی بودند که به معرفی و پژوهش معماری‌های صخره‌ای پرداختند. پس از آن افرادی مانند علی اکبر سرفراز، سعید گنجوی، محمدرحیم صراف و... به معرفی چند اثر صخره‌ای پرداختند. تاکنون حداقل سه پایان‌نامه کارشناسی ارشد درباره ساختارهای صخره‌ای دفاع شده است (حیدری، ۱۳۷۹؛ امیرعضدی، ۱۳۸۵؛ جعفری، ۱۳۸۶). مشکل بنیادی پژوهش با این نوع خاص معماری و تعیین گاه‌نگاری و کاربری آن، فقدان یافته‌های مطلوب و دسترسی دشوار به آن‌هاست که سبب شناخت ناقص از بناها می‌شود و در نتیجه به گمان منجر می‌شود که در برخی موارد بی‌پایه و اساس است.



شکل ۱: موقعیت شهرستان بویراحمد (نگارندگان)

معماری صخره‌ای

«معماری صخره‌ای» به‌گونه‌ای خاص از معماری اطلاق می‌شود که در آن به‌طور آگاهانه و به‌منظور خاص فضاهایی در دل صخره و کوه ایجاد می‌شود. با توجه به هزینه، وقت و تخصصی که معمار برای این نوع معماری خاص به کار می‌گیرد؛ بنابراین معمولاً کاربری آن نیز خاص و مهم است. ساخت ساختمانی با مصالح معمول خشت، گل، سنگ و... آسان‌تر، سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر از تراشیدن قسمتی از کوه و صخره است. این‌گونه معماری نسبت به معماری با مصالح رایج، مقاومت بیشتری دارد. علت عمده آن استحکام ماده سنگ است که عنصر اصلی این معماری به حساب می‌آید. علت دیگر، صعب‌العبور بودن بناهای صخره‌ای به علت ارتفاع است که مانع از درصد پایین‌تری از تخریب‌های انسانی، حیوانی و طبیعی بنا می‌شود. اما فشارهای فیزیکی ریشه گیاهان و تخریب‌های ناشی از زندگی حیوانات در این ساختارها (مهدی‌آبادی، ۱۳۷۶: ۴۱۵)، نقر یادگاری افراد، تخریب‌های عمدی انسانی، تخریب‌های ناشی از رسوب‌گذاری‌ها و از همه مهم‌تر زلزله از جمله عوامل آسیب‌رسانی به آن‌هاست. انتخاب صحیح بخش مناسب صخره به‌منظور تراش نیز برای استحکام و ماندگاری بنای صخره‌ای مسئله پراهمیتی است.

در برخی موارد ساختارهای صخره‌ای، کاربری مسکونی دارند. نمونه مشهور آن‌ها غار کرفتو (حمزه‌لو و میراسکندری، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۰۵) و بنای صخره‌ای میمند کرمان (حسینی موسی، ۱۳۸۲: ۹۲) است. در برخی معماری‌های صخره‌ای، الحاقات تزئینی، مانند نقش‌های برجسته (حیدری، ۱۳۷۷)، مجسمه و... به کار می‌رود. در نمونه‌هایی مانند کرفتو، کتیبه نیز دیده می‌شود است که برای تعیین گاه‌نگاری بسیار کارآمد است. عنصر دیگر در این‌گونه معماری، طاقچه است که نمونه‌های آن را در موارد بسیاری مانند معماری صخره‌ای چهل‌خانه برآزجان (استان بوشهر) و در مواردی حتی گنبد نیز می‌بینیم؛ مانند بنای کلات‌مُند خورموج (استان بوشهر) (Ball, 1986: 95).

بخش بزرگی از معماری صخره‌ای، کاربری آیینی و مذهبی دارد و مربوط به تاریخ ادیان است. برای بودایی‌ها (Higuchi & Barnes, 1995)، هندوها (گاردنر، ۱۳۷۰: ۶۹۰-۶۹۱)، مهرپرستان (شجاع‌دل و علیپور، ۱۳۸۴)، (حسن‌پور، ۱۳۸۹) و مانویان (هوشان، ۱۳۷۳: ۴۸-۴۹) در حکم نیایشگاه و گاهی در مقام گورمعبد مانند پالمیران در جزیره خارک (سرفراز، ۱۳۵۵: ۵۴) کاربرد داشته است. در برخی مذاهب و ملل، این‌گونه معماری به شکل گوردخمه، استودان، دخمه، حفره‌های سنگی و... با کاربری تدفین استفاده می‌شده است؛ برای مثال می‌توان به اورارتوییان (کلایس، ۱۳۷۵)، (کارگر، ۱۳۶۸: ۵۵-۵۷)، الیماییان (حیدری، ۱۳۷۷) و زرتشتیان (هوف، ۱۳۸۰: ۵۰-۵۲) اشاره کرد.

۱. آثار صخره‌ای با کاربری تدفین و آداب مربوط به آن

طبق اعتقاد زرتشتیان کالبد بی‌روح انسان به شدت ناپاک و نجس است و نباید با آب، خاک، آتش و باد تماس داشته باشد (ناس، ۱۳۸۳: ۴۸۲)؛ چون در این صورت عناصر اربعه مذکور که پاک و مقدس‌اند، آلوده می‌شوند. برای این کار ابتدا جسد را در بلندی یا در مکانی دورافتاده قرار می‌دادند تا استخوان مرده از گوشتی که پرندگان و حیوانات آن را می‌خورند، پاک شود. آن‌گاه استخوان‌ها را در «استخوان‌دان یا استودان» می‌گذارند (شاپور شهبازی، ۱۳۸۴: ۲۲۵). رسم تدفین در ساختارهای صخره‌ای، در میان پالمیران، اورارتوییان و الیماییان نیز رایج بود. به دلیل اینکه آیین زرتشتی با گذشت زمان دچار تحولاتی شد، در شیوه خاکسپاری آنان نیز این سیر تحول دیده می‌شود. این مسئله تا آنجا پیش می‌رود که امروزه برج‌های خاموشی (محل پاک‌شدن اجساد از گوشت به‌وسیله پرندگان که معماری دایره‌ای شکلی دارد و به سه بخش برای مردان، زنان و کودکان تقسیم می‌شود) که روشی متأخر است (موله، ۱۳۷۷: ۵۷) در ایران متروک می‌شود.

تعدادی معماری صخره‌ای در ایران و عراق به دوره ماد منسوب است؛ برای مثال می‌توان به «داء و دوئر» (در زبان لری به معنای مادر و دختر) «قیزقاپان»، «صحنه»، «دکان داوود» و... اشاره کرد. برخی از این آثار، نقش برجسته‌هایی در نمای بیرونی دارند. برخی نیز با ستون‌های تراشیده شده از صخره به صورت ایوان درآمده‌اند. البته، در گاه‌نگاری این گوردخمه‌ها اختلاف نظر وجود دارد. در میان اورارتویان (همسایگان شمال غربی مادها) نیز رسم تدفین در گوردخمه‌ها معمول بود. در دوره هخامنشی، داریوش بزرگ و شاهان پس از وی برای تدفین خود دستور تراشیدن آرامگاه‌های باشکوه و عظیمی با نقش برجسته و کتیبه را در نقش رستم دادند. درون فضای این گوردخمه‌ها، قبرهایی در صخره تراشیده شده بود. در ورودی گوردخمه‌ها نیز به صورت کشویی بود. به طوری که پس از بسته شدن دیگر باز نمی‌شد (شاپور شهبازی، ۱۳۸۴: ۲۲۸). پس از آن‌ها در میان حکومت‌های محلی دوره ملوک الطوایف اشکانی مانند الیمایی‌ها، تدفین در استودان یا استخوان‌دان‌ها دیده می‌شود. گاهی این دخمه، استودان و گوردخمه‌ها مانند بردگوری جنگه (حیدری، ۱۳۷۷: ۲۱۵) همراه با نقش برجسته‌هایی هستند. در واقع، از ۴۵ م. به بعد تجارت شهرهای کاروانی به سیادت پالمیرها رواج یافت. در این دوره به عادت پیشرفت فرهنگ‌های محلی، ایجاد گوردخمه در جنوب غرب به ویژه در منطقه الیمایی به طور وسیعی رواج یافت. در دوره رونق تجارت پالمیران (۴۵-۲۷۲ م) و به ویژه تا آغاز دوره ساسانی، معماری صخره‌ای در سرزمین الیمایی با کاربری‌های متفاوتی مانند گوردخمه و نیایشگاه صخره‌ای ایجاد می‌شد. در ساخت گوردخمه‌های الیمایی، ورودی گوردخمه تنها به اندازه یک جسد تعبیه می‌شد. تقریباً در تمام دخمه‌ها حفره‌هایی برای نصب درب دخمه وجود داشت (حیدری، ۱۳۷۹: ۳۲۰). در دوره ساسانی نیز با تدفین به شیوه استودان مواجه هستیم. البته، روش‌های دیگری مانند گورهای خمره‌ای (ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۳۴) قبور حفره‌سنگی (جعفری، ۱۳۸۶: ۶۲؛ ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۳۱) و... در این دوره معمول بود.

۲. استودان

والتر هنینگ اصطلاح استودان astodān= uzdāna را مخزن یا ظرفی برای استخوان‌ها ترجمه کرد. پیش از وی، هرتسفلد این اصطلاح را معادل astothekai دانست. وی می‌افزاید: در دوره بلاش اول اشکانی (۵۰-۸۰ م) نخستین کوشش برای گردآوری اوستا به شکل مکتوب انجام شد و این دوران با به قدرت رسیدن مغان باستان در سرزمین اصلی آن‌ها آذربایجان مصادف بود. رسم باستانی قراردادن اجساد در هوای آزاد نیز در این زمان رایج شد. در دوره هروودت این سنت ویژه مغان بود؛ اما از آن دوران به بعد تعداد فراوانی طاقچه‌های کوچک صخره‌ای (استودکا astothecae) را مشاهده می‌کنیم (ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۲۹). بدین ترتیب، متوجه می‌شویم که رسم اولیه زرتشتیان دفن مردگان بود. رها کردن اجساد در دخمه‌های مرگ، روش ثانویه‌ای بود که تحت تأثیر مغان در ایران رایج شد (کخ، ۱۳۸۳: ۳۳۴). به دلیل اینکه استودان یا استخوان‌دان فقط برای نگهداری استخوان‌ها استفاده می‌شد؛ بنابراین نباید حجم فضایی بزرگی داشته باشد. پس استودان‌ها در واقع مانند طاقچه‌ای کوچک یا به گفته هنینگ ظروفی برای استخوان‌ها هستند.

آثار صخره‌ای بویراحمد

در بررسی بخش‌های شمالی شهرستان بویراحمد (علمداری و احمدی، ۱۳۹۰) شش ساختار معماری صخره‌ای در حوالی روستاهای خرم‌راه و پوله یافت شد. همه ساختارهای یادشده در بخش عمودی صخره تراشیده شده‌اند. چنین آثار صخره‌ای در میان مردم بومی منطقه به «برد چله‌خانه» شهرت دارد. «برد» به معنای سنگ و چله‌خانه محلی برای ریاضت دراویش است. از این رو، اهالی منطقه معتقدند این گونه آثار صخره‌ای، محلی برای ریاضت دراویش در میان کوه‌ها و دور از اجتماع بوده‌اند. در ادامه این آثار را بررسی می‌کنیم.



تصویر ۱: دورنمایی از ساختارهای صخره‌ای پوله، دید از جنوب (نگارندگان)

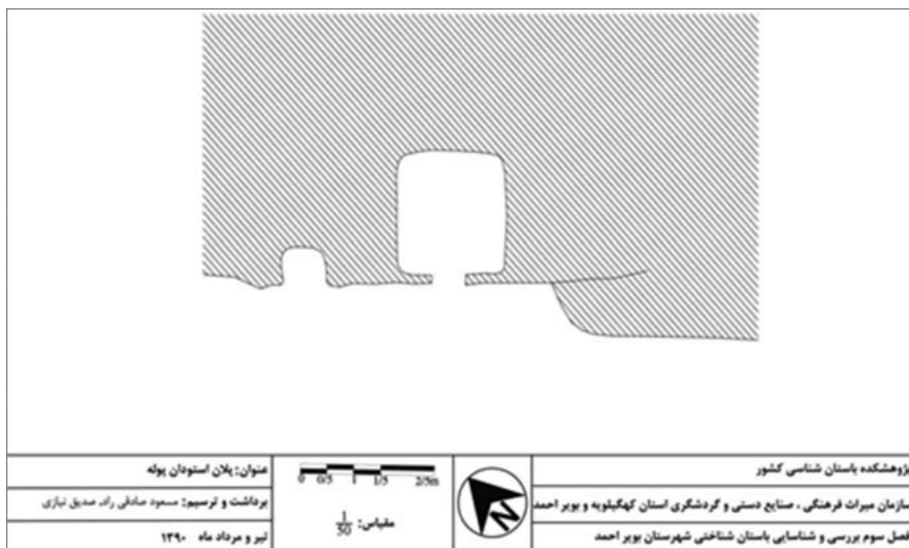
۱. آثار صخره‌ای تدفینی پوله

طبیعی زمین، سنگلاخی است و ضخامت خاک آن کم است. رودخانه‌ای فصلی - که بستر آن در فاصله حدود ۳۰ متری از غرب معماری صخره‌ای واقع شده - چشمه‌های دائمی و نیز آبراهه‌های کوهستانی از مهم‌ترین منابع تأمین‌کننده آب این محدوده است. پوشش گیاهی منطقه، شامل درختان نیمه‌متراکم بلوط است که پراکندگی آن‌ها در تمام منطقه یکسان نبوده و در جاهای مختلف متناسب با میزان ارتفاع تراکم آن‌ها متفاوت است.

نزدیک‌ترین آبادی به این معماری صخره‌ای، روستای پوله^۱ است که در ۱۵۰ متری غرب و جنوب غربی آن واقع شده است. این آثار در محدوده شمال شرقی این روستا در فاصله ۱۵۰ متری سمت راست جاده خاکی ارتباطی روستای پوله به زیرنا^۲ قرار دارد. این ناحیه کوه‌های بلند و صعب‌العبور با دره‌های نیمه‌باز و اقلیم سرد و نیمه‌مرطوب کوهستانی دارد. بستر



تصویر ۲: نمایی نزدیک‌تر از تصویر پیشین (نگارندگان)

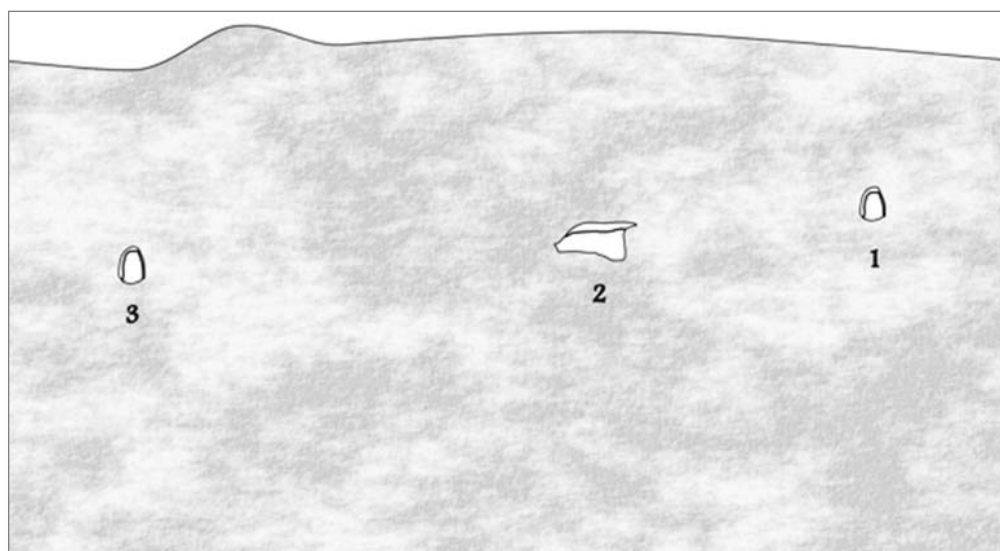


تصویر ۳: پلان ساختارهای صخره‌ای پوله (نگارندگان)

موقعیت و معماری ساختارهای صخره‌ای تدفینی پوله

است (تصویر ۲). دهانه آن به شکل تقریباً مستطیلی و رو به جنوب غربی ایجاد شده است. عرض دهانه آن ۵۵ سانتی متر با ارتفاع ۸۰ سانتی متر و ضخامت آن ۱۵ سانتی متر است. طول داخلی آن - در راستای شمالی - جنوبی ۱۸۰ سانتی متر، عرض آن - در راستای شرقی - غربی ۱۸۰ سانتی متر و ارتفاع آن از سطح کف تا سقف دخمه ۱۲۰ سانتی متر است (تصویر ۳). گفتنی است که عرض آن از پایین به بالا کاسته شده و به شکل قوس دار متمایل می‌شود. در فاصله تقریباً ۲ متری از شرق این اثر، استودانی با

معماری صخره‌ای پوله در ارتفاع ۱۴۶۷ متری از سطح دریا و در ارتفاع ۲۴۰ سانتی متری از زمین‌های اطراف واقع است (تصویر ۱). به سبب اینکه ورود به این آثار امکان‌پذیر بود، خوشبختانه از آن اطلاعات بیشتری داریم. مساحت اثر صخره‌ای پوله ۳/۲۴ متر است که ۱۸۰ سانتی متر درازا و ۱۸۰ سانتی متر پهناست. استودان (یا به گفته محلی‌ها برد چله‌خانه) پوله روی سطح دیواره عمودی کوه به وجود آمده



تصویر ۴: نمای آثار صخره‌ای شماره‌های ۱، ۲، ۳، خرم‌راه (نگارندگان)

طول دهانه ۸۰ سانتی متر، عرض ۶۰ سانتی متر و عمق ۶۰ سانتی متر است که در ارتفاع ۱۱۰ سانتی متری از سطح زمین‌های اطراف واقع شده است. متأسفانه، هیچ داده‌ای در محدوده این دو اثر یافت نشد.

ساختارهای صخره‌ای تدفینی خرمراه

هر سه ساختار صخره‌ای خرمراه (Khorram-rah) در مجاورت همدیگر در ۲۰۰ متری شمال روستای خرمراه بر دامنه غربی کوه «چله‌خانه» از توابع دهستان زیلابی شهرستان بویراحمد استان کهگیلویه و بویراحمد قرار دارد (تصویر ۴). این بنای صخره‌ای در ارتفاع ۱۵۹۵ متری از سطح دریا واقع است.

عوارض و ساختارهای همجوار اثر، شامل جغرافیای کوهستانی با دره‌های بسته و رودخانه‌های جاری دائمی است. در برخی قسمت‌ها اراضی مناسب برای فعالیت‌های کشاورزی وجود دارد. اقلیم منطقه سرد، نیمه‌مرطوب و کوهستانی با کوه‌های بلند و صعب‌العبور و دره‌های عمیق نیمه‌بسته است که رودخانه دائمی خرمراه با جهت شمالی-جنوبی از میان آن‌ها می‌گذرد. دهستان خرمراه، اقلیم سرد و مرطوب کوهستانی دارد و در مسیر آن دره‌های عمیق و نیمه‌بازی قرار دارد. در هیچ‌یک از این آثار، یافته فرهنگی مشاهده نشد. تا زمان بازدید آثار، طی بررسی مهم‌ترین آسیب‌های طبیعی و غیرطبیعی وارده بر محوطه عبارت بودند از: فرسایش و هوازدگی سنگ‌ها و رویش بوته بر سطح صخره. آثار یادشده شامل سه معماری مجاور یکدیگر و یک ساختار صخره‌ای تدفینی مجزاست که در صخره‌ای منفرد تراشیده شده است.

توصیف اثر صخره‌ای شماره ۱ خرمراه

این معماری اولین و جنوبی‌ترین اثر از مجموعه آثار سه‌گانه واقع شده روی صخره کوه برد چله‌خانه است. طول دهانه ۶۰ سانتی متر و عرض آن ۴۰ سانتی متر است. این اثر با دهانه‌ای به ابعاد ۷۰×۴۰ سانتی متر بالاتر از دو استودان دیگر است. بخش بالایی دهانه، اثر صخره‌ای یک و دو به‌شکل بیضی است و شبیه کله قند است. به‌علت ارتفاع

زیاد این آثار (خرمراه، ش ۱، ۲ و ۳) دسترسی به آن‌ها ممکن نبود و از چگونگی فضای داخلی آن اطلاعی کسب نشد و به تهیه پلان از این مجموعه موفق نشدیم.

وجود رودخانه دائمی خرمراه در ۶۰۰ متری غرب و چندین آبراهه کوهستانی در دامنه‌های اطراف کوه‌ها از مهم‌ترین منابع تأمین آب این محدوده است. از ویژگی‌های خاص این گوردخمه‌های شماره‌های ۱، ۲ و ۳ خرمراه مجاورت با یکدیگر، واقع شدن روی صخره‌ای بزرگ و یکپارچه در دامنه غربی کوه و قرار گرفتن در موقعیتی که روبه‌روی آن گوردخمه شماره ۴ خرمراه در سوی دیگر دره قابل رؤیت است. ارتفاع قابل توجه این سه گوردخمه نیز موجب اشراف بر اراضی زیردست و مسیر رودخانه می‌شود.

توصیف اثر صخره‌ای شماره ۲ خرمراه

اثر صخره‌ای شماره ۲ دو خرمراه که معماری میانی از مجموعه سه‌گانه واقع روی صخره کوه برد چله‌خانه است، دهانه‌ای به طول ۷۰ سانتی متر و عرض ۹۰ سانتی متر دارد. این اثر در ارتفاع ۶ متری از سطح زمین‌های اطراف قرار دارد و دهانه‌ای نامنظم به ابعاد ۷۰×۹۰ سانتی متر دارد. از پلان این اثر نیز مانند دو اثر دیگر به دلیل دسترسی نداشتن به آن اطلاعی نداریم. دهانه آن نسبت به دوتای دیگر بزرگ‌تر است و شواهد نشان می‌دهد به احتمال بخش شمالی دهانه، طی گذر زمان شکسته شده است.

توصیف اثر صخره‌ای شماره ۳ خرمراه

اثر شماره ۳ خرمراه که شمالی‌ترین گوردخمه واقع بر روی صخره کوه برد چله‌خانه است، دهانه‌ای با ۶۰ سانتی متر طول و ۴۰ سانتی متر عرض دارد. ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۶ متر است. دهانه کله‌قندی آن ابعادی در حدود ۶۰×۴۰ سانتی متر دارد که در ۴ متری گوردخمه مرکزی واقع است.

توصیف اثر صخره‌ای شماره ۴ خرمراه

اثر صخره‌ای شماره ۴ خرمراه در ۷۰۰ متری غرب روستای

خرمراه، بر دامنه شرقی کوه شاه‌نشین واقع شده است (تصویر ۵). این استودان درون صخره‌ای منفرد به ابعاد $۸ \times ۴ / ۷۰ \times ۴$ متر حفر شده است. این اثر با پلانی به شکل نیم‌دایره ۱۷۰ سانتی‌متر طول در راستای شمالی-جنوبی، ۱۱۰ سانتی‌متر عرض در راستای شرقی-غربی و ۱۰۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد (تصویر ۶ و ۷). ورودی آن رو به سمت شرق، یعنی رو به مجموعه آثار شماره‌های ۱، ۲ و ۳ خرمراه است و در ارتفاع ۲ متری از سطح زمین قرار دارد (تصویر ۸). ورودی به شکل تقریبی مستطیل با ابعاد ۷۰×۴۰ سانتی‌متر و ضخامت ۱۲ سانتی‌متر شیاری برای نگهداری درپوش و مسدود کردن فضای داخلی استودان دارد. ویژگی خاص آن قرارگیری روی صخره‌ای واحد در دامنه شرقی کوه شاه‌نشین و روبه‌روی آثار شماره‌های ۱، ۲ و ۳ خرمراه در سوی دیگر دره است.

ساختارهای خرمراه و پوله از نظر مکانی با آثار صخره‌ای الیمایی بردگوری جنگه در منطقه کوهستانی بخش سوسن ایذه (حیدری، ۱۳۷۷: ۲۱۳-۲۱۴) واقع در استان خوزستان قابل قیاس است. در واقع، کوه‌های بختیاری که شامل بخش میانی رشته‌کوه‌های زاگرس می‌شود، منطقه اصلی الیمایی‌ها بوده است (واندنبرگ، شیپمن، ۱۳۸۶: ۱۰). این ناحیه شامل کوهستان‌های خوزستان و لرستان است (فرای، ۱۳۸۶: ۴۳۶). از منظر تحلیل موقعیت جغرافیایی و نیز وجود آثار الیمایی از قبیل نقش برجسته‌ها و استقرارهایی از این

دوران در مجاورت ساختارهای صخره‌ای مورد مطالعه، این آثار با دوره حکومتی الیماییان همخوانی دارد. الیمایی‌ها یا الیمایی‌ها از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین حکومت‌های نیمه‌مستقل در شاهنشاهی اشکانی بود که بیشتر در بلندی و راه‌های ورودی دره‌های زاگرس مستقر بودند (184: Alizadeh, 1985). نام «الیمایی» مشتق از نام عبری «عیلام» است و مطابق واژه آشوری-بابلی «الامتو» به معنی سرزمین کوهستانی است (واندنبرگ، شیپمن، ۱۳۸۶: ۷) که با جغرافیای طبیعی بویراحمد مطابقت دارد. هنر الیمایی را می‌توان «هنر پارتی استانی» نامید. در واقع، الیمایی‌ها از نظر کتیبه‌نگاری و نقش برجسته از حکومت محلی پارس توانگرتر بود (فرای، ۱۳۸۶: ۴۳۸).

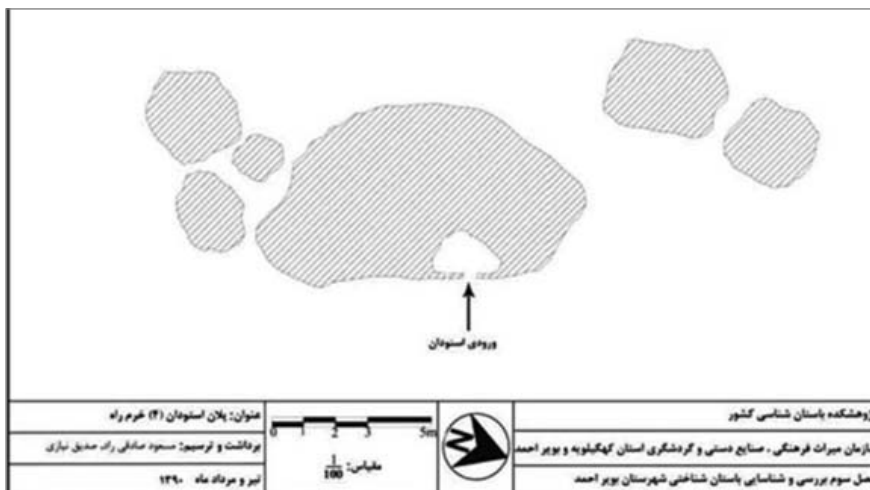
از جنبه ورودی چهارگوش، آثار بویراحمد با دخمه‌های بردگوری جنگه (ایذه) که به علت یافتن سفال‌های اشکانی در اطراف آثار به الیماییان منسوب شد مطابقت دارد (حیدری، ۱۳۷۷: ۲۱۶). «بردگوری» اصطلاح کردزبانان و لرزبانان منطقه زاگرس است و به معنی سنگ‌گیری است که محققان آن را «استودان» یا «دخمه» نام‌گذاری می‌کنند (حیدری، ۱۳۷۷: ۲۱۴).

نتیجه‌گیری

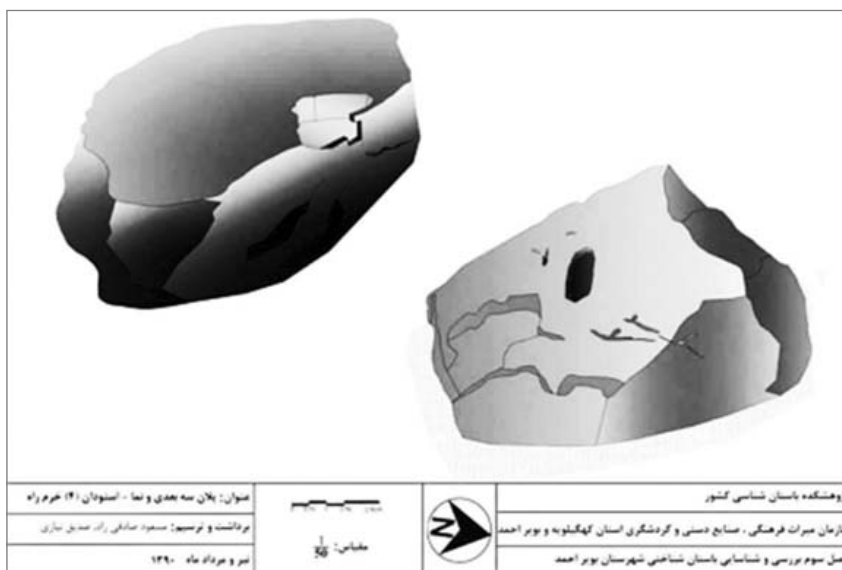
سفال از مواد فرهنگی بسیار مهم، برای تعیین گاه‌نگاری



تصویر ۵: نمایی از اثر شماره ۴ خرمراه - دید از شمال شرق (نگارندگان)



تصویر ۶: پلان اثر صخره‌ای شماره ۴ خرمراه (نگارندگان)



تصویر ۷: پلان سه بعدی اثر صخره‌ای شماره ۴ خرمراه (نگارندگان)



تصویر ۸: نمایی از داخل اثر ش ۴ خرمراه و تقابل آن با دیگر آثار صخره‌ای خرمراه - دید از غرب (نگارندگان)

در باستان‌شناسی است. متأسفانه، در بیشتر مواقع در معماری‌های صخره‌ای یافته‌هایی مانند سفال، استخوان و... به‌دست نمی‌آید. یکی از دلایل موجود نبودن این مواد، این است که بسیاری از این آثار کاربری تدفینی داشته‌اند، پس به‌طور مسلم سکونتی وجود نداشته است که سفالی باشد. به‌دلیل اینکه بسیاری از این آثار درب ورودی داشته‌اند و با گذشت زمان تخریب شده‌اند، با از بین رفتن درب ورودی، این‌گونه آثار به‌وسیله عوامل انسانی و طبیعی مانند باد و باران و حتی هجوم حیوانات دچار آسیب‌دیدگی می‌شوند و مواد فرهنگی مانند استخوان در محدوده درونی آن‌ها جابه‌جا می‌شود. این مسئله برای مواردی که جنبه سکونت داشتند نیز صادق است و با وجود اینکه انتظار می‌رود در این مکان‌ها سفال به‌دست آید؛ اما عوامل یادشده باعث جابه‌جایی آن‌ها می‌شود. بنابراین، از راهکارهای پیشنهادی برای تعیین قدمت این آثار، توجه به استقرارهای اطراف آن و مقایسه پلان معماری و عناصر خاص با سایر موارد مشابه است. نزدیک‌ترین استقرار به گوردخمه خرم‌راه در فاصله حدود ۴-۵ کیلومتری (به خط مستقیم) قرار دارد. بر اساس سفال‌های سطحی، این استقرار به دوران اشکانی تا اوایل اسلام مربوط است. همچنین، گورستانی که به‌احتمال از دوره اشکانی تا دوران اوایل اسلام از آن استفاده شده، در فاصله حدود ۱۵ کیلومتری آثار مذکور قرار دارد. ساختارهای خرم‌راه و پوله از نظر مکانی با آثار صخره‌ای الیمایی بردگوری جنگه در استان خوزستان قابل قیاس است. ورودی‌های چهارگوش شکل آثار بویراحمد قابل قیاس با دخمه‌های بردگوری جنگه (ایده) که آن را الیمایی

دانسته‌اند، مطابقت دارد.

به سبب اینکه آثار صخره‌ای مورد مطالعه در منطقه تحت نفوذ الیماییان وجود دارد و با آثار بردگوری جنگه که سفال‌های الیمایی در اطراف آن‌ها مشاهده شد، مشابهت نسبی دارد و همچنین پلان آثار مورد مطالعه با پلان ساختارهای یادشده شباهت نسبی دارد؛ بنابراین با قید احتیاط شش ساختار صخره‌ای شمال بویراحمد را به دوره الیمایی مربوط می‌دانیم. فضای معماری‌های مورد مطالعه کوچک است و آثار خرم‌راه (۱، ۲ و ۳) در ارتفاع بسیار زیادی قرار دارند؛ بنابراین این آثار با درصد احتمال بالایی برای تدفین استفاده می‌شده است. اما راجع به گاه‌نگاری دقیق‌تر آن باید اندکی تأمل کرد. متأسفانه، داده‌های ما راجع به آثار بویراحمد بسیار ناچیز است و نیازمند مقایسه صحیح آن با آثاری هستیم که به‌طور دقیق گاه‌نگاری شده‌اند.

تشکر

بدین‌وسیله مراتب امتنان خود را از راهنمایی‌های سودمند آقای محمدجعفر جعفری و همچنین حمایت‌های مادی و معنوی ریاست محترم میراث فرهنگی استان کهگیلویه و بویراحمد، جناب آقای ایزدی و معاون محترم ایشان، جناب آقای دادی‌نژاد، ریاست محترم وقت پژوهشکده باستان‌شناسی، آقای دکتر میراسکندری و به‌ویژه اعضای هیئت بررسی: مسعود صادقی‌راد، رضا بهدادفر، احسان برهانی‌زاده، سمیه دهقان، صدیق نیازی و محمد احمدی ابراز می‌داریم.

پی‌نوشت‌ها

1. Pouleh
2. Zirena

منابع شکل‌ها و تصاویرها تصویرهای ۱-۹: نگارندگان

منابع

— امیرعزیدی، سونیا، (۱۳۸۵)، استودان‌های فارس در دوره هخامنشی و فراهخامنشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، منتشر نشده.

- ترومپلمن، لئو، (پاییز و زمستان ۱۳۷۲)، قبور و آیین تدفین در دوره ساسانی، ترجمه مولود شادکام، س ۸، ش ۱، صص ۲۹-۳۷.
- جعفری، محمدجواد، (۱۳۸۶)، ساختارهای مختلف گور در دوران تاریخی فارس، باستان‌شناسی و تاریخ، س ۲۱، ش ۲، صص ۶۰-۶۷.
- حسن‌پور، عطا، (۱۳۸۹)، «نگاهی به آثار و شواهد آیین مهر در لرستان»، باستان‌پژوهی، دوره جدید، س ۳، ش ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۹۳-۱۰۱.
- حسینی موسی، زهرا، (۱۳۸۲)، شهربایک سرزمین فیروزه، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- حمزلو، منوچهر و محمود میراسکندری، (بهار و تابستان ۱۳۸۱)، قلعه و غار کرفتو، اثر، ش ۳۳-۳۴، صص ۲۷۸-۳۰۴.
- حیدری، احمد، (۱۳۷۷)، آثار الیمایی در ارتفاعات سوسن (ایذه)، اثر، ش ۲۹-۳۰، صص ۲۰۴-۲۳۱.
- _____، (۱۳۷۹)، دخمه‌های دوران اشکانی و ساسانی در حاشیه کوه‌های زاگرس (خلاصه پایان‌نامه)، اثر، ش ۳۱-۳۲، صص ۳۱۷-۳۲۱.
- هوف، دیتیش، (۱۳۸۰)، قبور زرتشتی-ساسانی در فار، ترجمه حسن اکبری، باستان‌پژوهی، ش ۸، صص ۵۰-۵۲.
- سرفراز، علی‌اکبر، (۱۳۵۵)، راهنمای باستانی جزیره خارک، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- شاپور شهبازی، علیرضا، (۱۳۸۴)، راهنمای مستند تخت جمشید، تهران: سفیر.
- شایان، سیاوش و اسماعیل پارسایی، (۱۳۸۶)، «امکان‌سنجی نواحی مستعد توسعه اکوتوریسم در استان کهگیلویه و بویراحمد، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه جغرافیا، (بهار ۱۳۸۶)، صص ۱۵۳-۱۸۱.
- شجاع‌دل، نادره و نسیم علیپور، (۱۳۸۴)، پیشینه مهرپرستی و نیایشگاه مهرورجوی مراغه، تاریخ‌پژوهی، س ۷، ش ۲۴-۲۵، صص ۴۴-۵۴.
- فرای، ریچارد نلسون، (۱۳۸۶)، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- کج، هاید ماری، (۱۳۸۳)، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، تهران: کارنگ.
- کارگر، بهمن، (بهار و تابستان ۱۳۶۸)، مقابر اورارتوییان در آذربایجان غربی، باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۲، س ۳، صص ۵۵-۵۷.
- کلایس، ولفرام، (۱۳۷۵)، معماری اورارتویی، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، اثر، ش ۲۶-۲۷، صص ۸۶-۱۰۵.
- گاردنر، هلن، (۱۳۷۰)، هنر در گذر زمان، تهران: نگاه و آگاه.
- علمداری، کوروش و محمد احمدی، (۱۳۹۰)، گزارش فصل سوم بررسی باستان‌شناختی شهرستان بویراحمد، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- موله، م، (۱۳۷۷)، ایران باستان، ترجمه ژاله آموزگار، تهران: توس.
- مهدی‌آبادی، ملیحه، (۱۳۷۶)، عوامل مؤثر در تخریب آثار صخره‌ای، مجموعه مقالات نخستین همایش حفاظت و مرمت آثار تاریخی- فرهنگی، ۱۳۷۵، دانشگاه هنر و پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی- فرهنگی.
- ناس، جان بایر، (۱۳۸۳)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی.
- واندنبرگ، لویی و کلاوس شیپمن، (۱۳۸۶)، نقوش برجسته منطقه الیمایی در دوران اشکانی، ترجمه یعقوب محمدی‌فر و آزاده محبت‌خو، تهران: سمت.
- واندنبرگ، لویی، (۱۳۸۷)، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، چ ۳، تهران.

- هوشان، چاتو، (۱۳۷۳)، بازپژوهی نیایشگاه‌های مغاره‌ای مانویان در تورفان، ترجمه احمد حب‌علی موجانی، باستان‌شناسی و تاریخ، س ۸، ش ۱، شماره پیاپی ۱۵، (پاییز و زمستان ۱۳۷)، آبان ۷۳.

- Alizadeh, A. (1985), Elymaean occupation of lower Khuzestan during the Seleucid and Parthian periods: a proposal. *Iranica antique*, 20. p.195-175.

- Ball, W. (1986), Some rock-cut monuments in southern Iran. *IRAN*. Vol. XXIV. The British institute of Persian studies. p. 116-95.

- Herzfeld, E. (1941), *Iran in the ancient east*. Oxford University.

- Higuchi, T., Barnes, G. (1995), Bamiyan: Buddhist Cave Temples in Afghanistan. *World Archaeology*. Vol. 27. No. 2. Buddhist Archaeology. p. 302-282.

- Stein, A. (1936), *An Archaeological Tour in the Ancient Persis*. Iraq. Vol. 3. No.2 (1936). P.225-111.

- Zehbari, Z. (2012), The new evidence of Elymaean troglodytic architecture, Khorram-rah, South West of Iran. Abstract volume. 4th international Congress of the Society of South Asian Archaeology. 17-15 April 2012. Ed. By Mehdi Mor-tazavi. University of Sistan and Baluchestan. Zahedan. p. 196.